

امام جواد (ع) مولودی بابرکت

علی اکبر ذاکری*

پس از شهادت امام کاظم (ع) عده‌ای منکر وفات حضرت شدند و در انتقال امامت به امام رضا (ع) تردید کردند. یکی از مهم‌ترین ادعاهای آنان، فرزند نداشتن امام رضا (ع) بود. امام جواد (ع) در چنین جوی پا به عرصه وجود نهادند. امام رضا (ع) او را مولودی بابرکت برای شیعیان دانستند؛ چون این تولد، جلو تحیر و انحراف جمعی از شیعیان را گرفت و به اعتقادات تشیع و امامت استحکام بخشید. این موضوع در این مقاله واکاوی می‌شود و علت بابرکت بودن حضرت جواد (ع) در چهار محور بررسی می‌گردد: تثبیت امامت، جلوگیری از تحیر شیعیان، ممانعت از انحراف خویشاوندان حضرت رضا (ع) و برکات علمی آن حضرت برای مسلمانان.

واژگان کلیدی: امام جواد (ع)، امام کاظم (ع)، واقفه، امام رضا (ع)، تحیر شیعیان و امامت.

امام جواد (ع) مولودی بابرکت برای شیعیان و پدر بزرگوارش بودند. همه محبان اهل بیت (علیهم السلام) از تولد آن بزرگوار بسیار خوش‌حال شدند. تعبیر «مولودی بابرکت» که محور این مقاله است، درباره امام جواد (ع) از سوی پدر بزرگوار حضرت درباره ایشان به کار رفته است. کاربرد این تعبیر باید جهتی خاص داشته باشد.

اکنون جای این پرسش‌هاست:

۱. به چه جهت تولد این امام، بابرکت دانسته شده است.

۲. سرّ این تعبیر از زبان معصوم چیست؟

ص: ۲۳

۳. چرا در جمع معصومان، امام جواد (ع) مولود بابرکت معرفی شده‌اند، در حالی که دیگر امامان نیز نقش مهمی در حفظ اسلام و تشیع داشته‌اند؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، به روایاتی در این باره می‌پردازیم؛ آن گاه با نگاهی به اوضاع زمان تولد آن بزرگوار، علت و چرایی آن را تبیین می‌کنیم. ولی قبل از آن لازم است نگاهی اجمالی به زمان تولد و آغاز امامت امام جواد (ع) داشته باشیم تا آنچه مطرح می‌شود، برای خواننده محسوس و ملموس باشد.

نهمین امام شیعیان محمد بن علی، ملقب به تقی و جواد، با کنیه ابوجعفر در دهم رجب سال ۱۹۵ قمری در مدینه ۱ متولد شدند. ۲. تولد ایشان دوازده سال پس از شهادت امام موسی بن جعفر (ع) ششم رجب سال ۱۸۳ قمری بود. ۳. در این زمان هارون خلیفه بود. پدرشان امام رضا (ع)، در صفر سال ۲۰۳ قمری در توس به دست مأمون به شهادت رسیدند ۴ و پس از آن امامت به امام جواد (ع) که فقط هفت سال داشتند منتقل شد. دوران امامت آن حضرت حدود نوزده سال طول کشید ۵ و در ۲۵ سالگی در آخر ذی‌قعدة سال ۲۲۰ قمری، در زمان معتصم عباسی در بغداد به شهادت رسیدند. ۶

نگاهی به روایات

تعبیر مولود بابرکت، درباره امام جواد (ع) در سه روایت آمده است. کلینی دو روایت آن را با سندی متفاوت آورده و یکی از سه روایت در ارشاد مفید نقل شده است:

۱. روایتی در اصول کافی در باب نص و اشاره بر امامت امام جواد (ع) از

ص: ۲۴

ابویحیی صنعانی، از امام رضا (ع) نقل شده است.

وی می‌گوید: «به دیدار امام رضا (ع) رفتم. نزد حضرت بودم که فرزندش ابوجعفر را که کوچک بود آوردند، فرمود:

۱. * عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۰؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۹۲.

۲. طوسی، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۸۰۵.

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۷۶.

۴. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۸۳.

۵. کافی، ج ۱، ص ۴۹۷.

۶. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۰؛ کافی، ج ۱، ص ۴۹۲.

" هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ مَوْلُودٌ أَعْظَمُ بَرَكَةً عَلَى شِيعَتِنَا مِنْهُ "؛

این مولود مبارکی است که در تاریخ اسلام مولودی مانند آن متولد نشده که برکت آن برای شیعیان ما، از او بیشتر باشد». ۷

شیخ مفید همین روایت را با یک واسطه از کلینی، به نقل از ابویحیی صنعانی نقل کرده است. ۸

۲. در کتاب اطعمه فروع کافی از یحیی صنعانی آمده:

در مکه بر ابوالحسن رضا (ع) وارد شدم در حالی که پوست موز را می‌کند و به فرزندش ابوجعفر می‌داد. گفتم: «فدایت شوم! این همان مولود مبارک است؟» فرمود:

" نَعَمْ يَا يَحْيَى هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ فِي الْإِسْلَامِ مِثْلُهُ مَوْلُودٌ أَعْظَمُ بَرَكَةً عَلَى شِيعَتِنَا مِنْهُ "؛ ۹

آری! ای یحیی! این مولود مبارکی است که در تاریخ اسلام مولودی مانند آن متولد نشده که برکت آن برای شیعیان ما، از او بیش‌تر باشد».

۳. کلینی بخش اول این روایت را با سندی دیگر، در باب موز از یحیی بن موسی صنعانی نقل می‌کند: بر امام رضا (ع) در منی وارد شدم، ایشان در حالی که ابوجعفر ثانی روی ران حضرت نشست بود و برایش موز پوست می‌کند و به او می‌خوراند، این سخن را فرمود». ۱۰

۷. کافی، ج ۱، ص ۳۲۱.

« عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي يَحْيَى الصَّنْعَانِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) فَجِئْتُ بِأَبْنَيْهِ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) وَهُوَ صَغِيرٌ ».

۸. مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۷۹.

« أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي يَحْيَى الصَّنْعَانِيِّ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ (ع) فَجِئْتُ بِأَبْنَيْهِ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) وَهُوَ صَغِيرٌ فَقَالَ هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ مَوْلُودٌ أَعْظَمُ عَلَى شِيعَتِنَا بَرَكَةً مِنْهُ ».

۹. کافی، ج ۶، ص ۳۶۰.

« عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ يَحْيَى الصَّنْعَانِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) وَهُوَ بِمَكَّةَ وَهُوَ يَقْشَرُ مَوْزًا وَ يَطْعِمُهُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) فَقُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ هَذَا الْمَوْلُودُ الْمُبَارَكُ قَالَ نَعَمْ ».

۱۰. کافی، ج ۶، ص ۳۶۰.

طبق این روایات، می‌توان گفت: تولد این مولود برای شیعیان بسیار مهم بوده که برکت برای آنان را در پی داشته است. (ممکن است کسی بگوید که هر شخصی از داشتن فرزند آن هم فرزند پسر، خوش‌حال می‌شود؛ ولی این سخن دقیق نیست؛ زیرا تعبیر حضرت درباره امام جواد (ع) بسیار بلند است و از نقش بابرکت این فرزند برای شیعیان، سخن گفته‌اند. بنابراین می‌توان موضوع یا نکاتی را تصور کرد که در این بیان برکت برای شیعیان تأثیرگذار بوده است. چه چیزی این مولود را بابرکت قرار داده است؟

نگاهی به راوی خبر

برخی بر این نظرند که این سه روایت در واقع یکی است. آنان بر این باورند که ابویحیی و یحیی در خبر امام جواد (ع) یک نفرند؛ یعنی ابویحیی محرف یحیی است؛ زیرا برقی، ۱۱ شیخ و ابن‌غضائری ابویحیی را از یاران امام صادق (ع) دانسته‌اند و نقل روایت وی از امام رضا (ع) ثابت نشده است. ۱۲

آیت‌الله خویی بر این نظر است که این‌ها دو نفر هستند و سخن حضرت درباره امام جواد (ع)، در دو واقعه جداگانه بوده است. در نتیجه یحیی صنعانی، غیر از ابویحیی صنعانی است که در بخش کنیه‌ها می‌آید. ۱۳ آن‌چه ممکن است این نظر را تأیید کند، این است که یکی جریان حادثه و سخنان امام رضا (ع) را در مکه دانسته و دیگری در منی. امام رضا (ع) در آن سال سعی داشته فرزندش را به شیعیان معرفی فرماید تا شبهه آنان را برطرف نماید.

اگر به روایات دقت کنیم درمی‌یابیم که دو خبر از دو نفر است و بعدی ندارد که ابویحیی زمان امام رضا (ع) را هم درک کرده باشد. اتفاقاً نقل شیخ طوسی نیز این مطلب را می‌رساند، زیرا ابویحیی صنعانی را در باب کنیه دو بار

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ مُوسَى الصُّعْنَانِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) بِنِيِّ وَ أَبُو جَعْفَرٍ الثَّانِي (ع) عَلَى فَخْذِهِ وَ هُوَ يَقْشَرُ لَهُ مَوْزاً وَ يَطْعُمُهُ».

۱۱. برقی، رجال برقی (الطبقات)، ص ۳۶، عمر بن توبه.

۱۲. کافی، حاشیه، ج ۱۲، ص ۵۶۸.

۱۳. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۲۱، ص ۹۸، «الظاهر تعدد القضية، و یحیی الصنعانی هو یحیی بن موسی الصنعانی، و هو غیر ابی یحیی الصنعانی الذی یأتی فی الکنی».

ذکر می‌کند. ۱۴ وی در مورد دوم، ضمن کنیه‌هایی که پدرشان نامشخص است می‌نویسد:

«از پدرش از امام صادق (ع) نقل می‌کند و نام وی را ذکر نکرده است؛» ۱۵ یعنی برای نقل از امام صادق (ع) در روایتی پدرش واسطه است.

نجاشی ۱۶ و ابن‌غضائری ۱۷ هر دو، نام ابویحیی را عمر بن توبه دانسته‌اند؛ در نتیجه، با یحیی که یحیی بن موسی است متفاوت خواهد بود.

شیخ مفید ابویحیی صنعانی را در جمع ثقات امام رضا ع، معرفی کرده است ۱۸. عمر بن توبه روایتی را از پدرش از عُرْنی جدش، از حارث اعور از امیرمؤمنان (ع) نقل می‌کند. ۱۹ با توجه به این سند، عمر بن توبه که همان ابویحیی است، از خاندان‌های شیعه و ثقه به شمار می‌آید. او خبری از سلیمان بن خالد از امام صادق (ع) روایت می‌کند. ۲۰ در خبری دیگر، عمر بن توبه روایتی از پدرش از امام صادق (ع) در مسائل طبی نقل کرده است. ۲۱

گزارش روایت امام جواد (ع)

اگر هر دو روایت درباره امام جواد (ع) را در یک واقعه بدانیم که در منی اتفاق افتاده است و منظور از مکه را منطقه منی بدانیم، می‌توان موضوع را این‌گونه ترسیم کرد:

ابویحیی صنعانی همراه جمعی خدمت امام رضا (ع) در منی می‌رسند. در

۱۴. رجال طوسی، ص ۳۲۵.

۱۵. همان، ص ۳۲۷، «أَبُو حَيٍّ الصَّنْعَانِي، عَنْ أَبِيهِ، وَلَمْ يَسْمَهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ».

۱۶. رجال نجاشی، ص ۲۸۴، «فِي حَدِيثِهِ بَعْضُ الشَّيْءِ يَعْرِفُ مِنْهُ وَ يَنْكُرُ. ذَكَرَ أَصْحَابُنَا أَنَّ لَهُ كِتَابَ فَضْلِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ».

۱۷. ابن‌غضائری، الرجال، ص ۷۵.

۱۸. ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب (ع)، ج ۴، ص ۳۸۰، «وَقَدْ ثَبَتَ بِقَوْلِ الثَّقَاتِ ... وَأَبُو حَيٍّ الصَّنْعَانِي».

۱۹. بحرانی، مدينة معاجز الأئمة الإثنا عشر، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲۰. مفید (منسوب)، الاختصاص، ص ۲۹۸.

۲۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۴۷.

همین هنگام فرزند حضرت، ابوجعفر ثانی را نزد ایشان می‌آورند؛ زیرا شیعیان چندین سال است که منتظر فرزندی برای امام رضا (ع) بودند. در همین وقت، یحیی بن موسی صنعانی بر ابوالحسن رضا (ع) در منی وارد می‌شود که ابوجعفر دوم، بر روی پای حضرت نشسته است. حضرت برای فرزند در حال پوست کندن موز و دادن به اوست. ۲۲ بدیهی است که این‌گونه به فرزند میوه دادن از سوی امام معصوم، برای حاضران شگفت‌انگیز بود که امام به کاری پرداخته که یک کنیز از عهده آن برمی‌آید. این‌جا پرسشی مطرح می‌شود که چرا باید امام، به چنین کاری بپردازد؟ شماری از حاضران که شیعه بودند، از گذشته منتظر تولد فرزندی برای حضرت بودند. یحیی بن موسی از این جمع بود. لذا به حضرت گفت: «فدایت شوم! هَذَا الْمَوْلُودُ الْمُبَارَكُ؛ این همان مولود مبارک است؟»

الف و لام کلمه «المولود»، برای عهد است که حضرت در گذشته وعده تولد مولودی را به آنان داده بودند و اکنون وی را در معرض دید شیعیان، قرار داده‌اند. امام رضا (ع) در پاسخ فرمودند:

"نَعَمْ! يَا يَحْيَى هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ فِي الْإِسْلَامِ مِثْلُهُ مَوْلُودٌ أَكْظَمُ بَرَكَةً عَلَى شِيعَتِنَا مِنْهُ"؛ ۲۳

«آری! ای یحیی! این همان مولود مبارکی است که در تاریخ اسلام مولودی مانند آن متولد نشده که برکت آن برای شیعیان ما، از او بیش‌تر باشد».

مطلب در نقل ابویحیی، اندکی متفاوت است. حضرت چنین فرمودند:

"هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ مَوْلُودٌ أَكْظَمُ عَلَى شِيعَتِنَا، بَرَكَةً مِنْهُ"؛ ۲۴

«این همان مولودی است که مولودی برای شیعیان ما، بابرکت‌تر از وی تولد نیافته».

این تعبیر، شبیه تعبیری است که امام صادق (ع) درباره موسی بن جعفر به کار برده‌اند. ۲۵

۲۲. کافی، ج ۶، ص ۳۶۰.

« دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) بِبَنِي وَأَبُو جَعْفَرٍ الثَّانِي (ع) عَلَى فَخْذِهِ وَهُوَ يَقْشَرُ لَهُ مَوْزًا وَ يَطْعُمُهُ ».

۲۳. همان، ج ۶، ص ۳۶۰.

۲۴. همان، ج ۱، ص ۳۲۱.

علل بابرکت بودن تولد امام جواد (ع)

با توجه به این که امام رضا (ع) فرزند خود را مولودی بابرکت برای شیعیان معرفی فرمودند، می توان حدس زد این موضوع با عقاید شیعه و باورهای دینی آنان مرتبط است و حتی در یک نقل از اهمیت آن برای اسلام سخن به میان آمده بود. علل بابرکت بودن این مولود عبارتند از:

۱. تثبیت امامت

واقعیت این است که پس از شهادت امام کاظم (ع)، شماری از شیعیان شبهاتی راجع به امام بعد از حضرت مطرح کردند. شیخ مفید می نویسد:

«بیش تر شیعیان، امامت امام رضا ع را از طریق نص پذیرفتند؛ اما گروهی به وقف بر امامت امام کاظم (ع) معتقد و مدعی شدند او زنده است و تصور کردند او مهدی است. گروهی هم گفتند: او مرده ولی به زودی بر انگیخه می شود و او قائم است» ۲۶.

ادعای واقفه این بود که امام کاظم (ع) از دنیا نرفته و دلایلی را بر ادعای خود می آوردند و منکر امامت امام رضا (ع) شدند.

رجال شناسان عمده ترین علت این عقیده را مسائل مالی دانسته اند؛ چون آنان اموال امام هفتم را در اختیار داشتند و به بهانه این که آن حضرت زنده است، حاضر نشدند آن اموال را به امام بعدی تحویل دهند. ۲۷ آنان دلایلی بر ادعای خود می آورند و در صدد فریب دیگر شیعیان بودند و گاهی به آنان وعده مال می دادند. ۲۸

یکی از دلایل آنان بر این عقیده باطل، فرزند نداشتن امام رضا (ع) بود. به ویژه که از زمان شهادت امام هفتم (سال ۱۸۳ ق) ۲۹ تا تولد امام جواد (ع)،

۲۵. همان، ج ۱، ص ۳۰۹.

۲۶. مفید، الفصول المختارة، ص ۳۱۳.

۲۷. رجال کشی (إختیار معرفة الرجال)، ص ۴۵۹ و ص ۵۹۷؛ طوسی، الغیبه، ص ۶۵.

۲۸. الغیبه، ص ۶۴.

(سال ۱۹۵ ق)، ۳۰ دوازده سال فاصله شد و حضرت رضا (ع) فرزندی نداشتند. واقفه چندین دلیل برای ادعای واهی خود آوردند؛ ولی آنچه درباره دیگر ادعاها و دلیل‌ها گفته می‌شد، در حد نقل یک روایت بود که تعداد کمی مطرح کردند و چندان مورد توجه نبود. ولی نبود فرزند برای امام رضا (ع) امری روشن و برای همه قابل‌درک بود و آن حضرت نمی‌توانستند منکر آن شوند. فقط می‌توانستند با اظهارات خود، شیعیان را به تولد فرزند خود امیدوار کنند و کسی که امامت حضرت را قبول نداشت، سخن ایشان را هم باور نمی‌کرد. این دلیل و ادعای بی‌اساس، جمع زیادی را دچار تردید کرد.

این اشکال در روایات مختلف از سوی برخی از واقفه از جمله حسین بن قیاما گزارش شده است. وی یکی از واقفیان بود که بر این اشکال اصرار می‌ورزید. چندین روایت در این باره از وی نقل شده است:

۱. حسین بن قیاما در نامه‌ای به امام رضا (ع) نوشت: «چگونه تو امام هستی در حالی که فرزندی نداری!» حضرت با غضب به او پاسخ می‌دهند: «چه کسی به تو آموخته که من فرزند ندارم! به خدا سوگند شب‌ها و روزها بگذرد تا این‌که خداوند به من فرزند پسری بدهد که بین حق و باطل، جدایی بیندازد!» ۳۱

۲. شیخ صدوق از عبدالرحمان بن ابی نجران و صفوان بن یحیی نقل می‌کند که گویند:

حسین بن قیاما که از رؤسای واقفه بود، از ما خواست برای دیدار با علی بن موسی‌الرضا (ع) برای او اجازه بگیریم. ما هم پذیرفتیم. وقتی ابن قیاما در برابر حضرت قرار گرفت، گفت: «آیا تو امام هستی؟» فرمودند: «آری!» ابن قیاما گفت: «من خدا را گواه می‌گیرم که تو امام نیستی». حضرت مدتی سرشان را به زیر انداختند و بعد فرمودند: «از کجا می‌دانی که من امام نیستم؟» گفت: «ما از

۲۹. کافی، ج ۱، ص ۲۷۶.

۳۰. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۰؛ کافی، ج ۱، ص ۴۹۲.

۳۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲۰؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۲۷۷.

« قَالَ: كَتَبَ ابْنُ قِيَامَا إِلَى أَبِي الْحَسَنِ (ع) كِتَابًا يَقُولُ فِيهِ كَيْفَ تَكُونُ إِمَامًا وَ لَيْسَ لَكَ وَلَدٌ فَأَجَابَهُ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) شِبْهَ الْمُغْضَبِ وَ مَا عَلِمَكَ أَنَّهُ لَا يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَ اللَّهُ لَا تَمْضِي الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يَرْزُقَنِي اللَّهُ وَلَدًا ذَكَرًا يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ ».

امام صادق (ع) روایت داریم که امام عقیق نیست و تو به این سن رسیده‌ای و فرزندی نداری». حضرت سرشان را پایین انداختند و بیش‌تر از قبل طول دادند و فرمودند:

«إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ أَنَّهُ لَا تَمُضِي الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى يَرْزُقَنِي اللَّهُ وَلَدًا مِّنِّي؛

خداوند را گواه می‌گیرم که روزگار نمی‌گذرد تا این‌که به من فرزند خواهد داد».

عبدالرحمان گوید: «به خدا سوگند کم‌تر از یک‌سال نگذشت که خداوند ابوجعفر را به وی عطا فرمود. ۳۲

امام رضا (ع) در ۳۵ سالگی پس از شهادت موسی بن جعفر (ع) در سال ۱۸۳ به امامت رسیدند. ۳۳ سن حضرت در زمان این گفت‌وگو حدود ۴۲ سال بوده است.

۳. مشابه این روایت را کلینی نقل نموده که حسین بن قیاما گوید:

بر علی بن موسی‌الرضا (ع) وارد شدم؛ به او گفتم: «آیا دو امام با هم خواهند بود؟» فرمودند: «نه! جز این‌که یکی از آنان ساکت خواهد بود». در آن زمان ابوجعفر امام جواد (ع) هنوز متولد نشده بود. پس حضرت به من فرمودند: «به خدا سوگند خدا چیزی از من قرار خواهد داد که حق و اهل آن را ثابت نماید و باطل و اهل آن را از بین ببرد!» پس از یک‌سال ابوجعفر متولد شدند. به ابن قیاما گفته شد: «آیا این نشانه که حضرت خبر داده بود تو را قانع نکرد که امامت حضرت را بپذیری؟» گفت: «به خدا سوگند این نشانه بزرگی است ولی چه کنم که با آن‌چه امام صادق (ع) درباره فرزندش فرموده (و او را قائم دانسته، مخالف است)». ۳۴

۴. زمانی که خداوند فرزند به حضرت می‌دهد و ابن قیاما بر ایشان وارد می‌شود می‌فرماید:

۳۲. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۰۹.

۳۳. کافی، ج ۱، ص ۴۷۶.

۳۴. کافی، ج ۱، ص ۳۲۱ و ص ۳۵۴؛ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۷۷.

« قَالَ لِي: وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ مِنِّي مَا يَثْبُتُ بِهِ الْحَقُّ وَأَهْلُهُ وَيُمَحِّقُ بِهِ الْبَاطِلَ وَأَهْلُهُ. فَوُلِدَ لَهُ بَعْدَ سَنَةِ أَبُو جَعْفَرٍ (ع). فَقِيلَ لِابْنِ قِيَامَا: أَلَا تُقْنِعُكَ هَذِهِ الْآيَةُ؟ فَقَالَ: أَمَّا وَاللَّهِ إِنَّهَا لَأَيُّهُ عَظِيمَةٌ وَلَكِنْ كَيْفَ أَصْنَعُ بِمَا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي ابْنِهِ. »

«إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَهَبَ لِي مِنْ يَرْتَنِي وَ يَرِثَ آلَ دَاوُدَ»؛

«خداوند به من فرزندی داده که وارث من و وارث آل داوود خواهد بود».^{۳۵}

ولی حسین بن قیاما همان گونه که ذکر شد، بر عقیده باطل خود اصرار می ورزد و حاضر نمی شود امامت امام رضا (ع) را بپذیرد و گویا امام هفتم در خبری به تحیر وی اشاره کرده بودند.^{۳۶} امام رضا (ع) در خبری، تحیر وی را درباره امامت امامان شیعه از زمان موسی بن جعفر (ع) دانسته است.^{۳۷}

از گزارش های نقل شده، استفاده می شود که برخی از این جمع، از عقیده خود برگشتند و گروهی در تحیر ماندند که ابن قیاما از این دسته بود.

بنابراین تولد حضرت جواد (ع) در تثبیت امامت امام رضا ع و رفع نگرانی شیعیان، نقش اساسی داشت و شبهه واقفه را برطرف کرد؛ به همین علت تولد ایشان برای شیعیان بابرکت بود؛ چون باعث تداوم امامت و استواری عقاید شیعیان گردید. در چنین جوی که هجوم علیه امام رضا (ع) شدت گرفته بود و به جهت نداشتن فرزند امامتش انکار می شد و مورد شدیدترین اتهامات قرار می گرفت و از سوی دیگر، جمعی از شیعیان نگران و حیران بودند، ابوجعفر دوم امام جواد (ع) متولد شدند و مهر بطلان بر این ادعای بی اساس بدخواهان زدند. از این رو، امام رضا (ع) او را مولودی بابرکت برای اسلام و تشیع دانسته اند.

۲. جلوگیری از تحیر شیعیان

تولد امام جواد (ع) همان گونه که باعث تثبیت امامت امام رضا (ع) شد، در جلوگیری از انحراف شیعیان از مسیر امامت نقش داشت. به همین جهت تولد حضرت برای شیعیان بابرکت بود. شیخ مفید در گزارشی می نویسد:

«پس از وفات ابوالحسن رضا (ع) و به جای نهادن فرزند خود ابوجعفر که هفت ساله بود، شیعیان به سه فرقه تقسیم شدند. گروهی به امامت امام جواد (ع) قائل شدند که آنان جمع زیادی از شیعیان بودند. فرقه ای به قول واقفه

۳۵. صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۳۸.

۳۶. صدوق، عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۱۰.

۳۷. کافی، ج ۸، ص ۳۴۷.

برگشتند که به امامت امام رضا (ع) معتقد شده بودند و جمعی هم احمد بن موسی را وصی امام رضا (ع) دانستند و مدعی بودند حضرت بر امامت وی، تصریح کرده است. ۳۸

به نظر می‌رسد گروهی که به عقیده واقفه بازگشتند، سن حضرت را برای امامت کافی نمی‌دانستند. این شبهه‌ای است که امام رضا (ع) در خراسان به آن پاسخ دادند؛ وقتی که جمعی از شیعیان پرسیدند: «اگر برای شما حادثه‌ای رخ دهد امام بعدی کیست؟» فرمودند: «فرزندم ابوجعفر!» گفتند: «اگر سن او را کم دانستند؟» فرمودند: «خداوند عیسی را در سن کم‌تر از این به رسالت گمارد». ۳۹ امام جواد (ع) نیز این شبهه را در دیدار با برخی از یاران خود پاسخ دادند. علی بن اسباط گوید:

«ابوجعفر بر من وارد شد. به او می‌نگریستم تا اوصافش را برای شیعیان بیان کنم. حضرت فرمودند: «ای علی خداوند به امامت مانند نبوت احتجاج نموده؛ ممکن است پیامبری در خردسالی به درجه نبوت برسد و ممکن است در چهل سالگی؛ امامت هم این‌گونه است»». ۴۰

حضرت جواد (ع) افزون بر این، توانستند در آغاز امامت خود، مسیر درست را به شیعیان نشان دهند. از اخبار استفاده می‌شود مدعیان امامت بعد از امام رضا (ع) افراد متعددی بودند که امام جواد (ع) با وجود داشتن سن کم مانع انحراف شیعیان از مسیر امامت گردیدند و آنان را از حیرت خارج ساختند.

پس از شهادت امام رضا (ع) در سال ۲۰۳ قمری، امام جواد (ع) حدود هفت سال داشتند. ۴۱ در کتاب دلائل الامامه آمده بزرگان شیعه در همه شهرها درباره امام بعد از حضرت رضا (ع)، دچار تحیر شدند. جمعی از شیعیان مانند ریان

۳۸ . الفصول المختاره، ص ۳۱۵.

۳۹ . طبری، دلائل الإمامه، ص ۳۸۸.

« فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ: إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ قَائِمًا بِشَرِيعَتِهِ فِي دُونِ السَّنِ الْتِي يَقُومُ فِيهَا أَبُو جَعْفَرٍ عَلَى شَرِيعَتِهِ ».

۴۰ . کافی، ج ۱، ص ۳۸۴؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۹۲.

۴۱ . همان، ج ۱، ص ۴۸۶.

بن صلت، صفوان بن یحیی، محمد بن حکیم، عبدالرحمان بن حجاج، یونس بن عبدالرحمان و جمعی از بزرگان شیعه در منزل عبدالرحمان در منطقه‌ای از بغداد جمع شده، گریه می‌کردند و ناراحت از مصیبتی بودند که رخ داده و امام بعدی برای آنان مشخص نبود. یونس گفت: «گریه را رها کنید! چه کسی به مسائل نو پیدای ما پاسخ می‌دهد تا این‌که این بچه (ابوجعفر) بزرگ شود؟» بعد خود پاسخ داد: «جای نگرانی نیست! من و مانند من به آن پاسخ می‌دهند». ریان به شدت ناراحت شد؛ حرکت کرد و گلوی یونس را گرفت و مداوم به سر و صورت او می‌زد. سپس به وی توهین کرد و گفت: «اگر او از جانب خدا امام باشد، فرزند دو روزه مانند مرد صدساله است و اگر از نزد خدا امام نباشد، پنج هزار سال هم عمر کند، نمی‌تواند مانند بزرگان گذشته عمل کند یا بعضی از آن مسائل را پاسخ دهد. به این نکته باید توجه شود». در این هنگام جمعیت به سوی یونس هجوم آورده، به سرزنش وی پرداختند.

این گزارش، نشانه‌ای از تحیر و نگرانی شدید شیعیان و ناراحتی‌ای است که درباره امام بعد از حضرت رضا (ع) داشتند. لذا درباره امامت امام جواد (ع)، با یک‌دیگر درگیر شدند. آنان تصمیم گرفتند در مراسم حج شرکت کنند و به حضور امام برسند. هنگام حج هشتاد نفر از آنان پس از انجام دادن مراسم حج، به مدینه رفتند. وقتی به منزل امام صادق (ع) رسیدند. عبدالله بن موسی بن جعفر، بیرون آمد و در صدر مجلس نشست. منادی اعلام کرد: «این فرزند رسول خداست. هر کس سؤالی دارد بپرسد؟» افراد از عبدالله سؤال می‌کردند و او پاسخ‌هایی می‌داد که قانع‌کننده نبود. پرسش‌گران از آن متحیر شدند. همه جمع به گریه افتادند و تصمیم به بازگشت داشتند که ابتدا موفق خادم و سپس امام جواد (ع) وارد شدند. همه در جای خود باقی ماندند. شخصی که سؤال کرده بود، همان سؤال‌ها را از امام جواد (ع) پرسید: «ای فرزند پیامبر چه می‌گویید درباره مردی که به زنش گفت: تو مطلقه هستی به تعداد ستاره‌های آسمان؟» حضرت فرمودند: «قرآن بخوانم! طلاق دو بار است یا نگه‌داشتن به معروف و یا

ص: ۳۴

رها کردن به احسان.» سائل گفت: «عمویت پاسخ داد که زن طلاق داده شده است». حضرت فرمود:

«يَا عَمُّ، اتَّقِ اللَّهَ، وَلَا تُفْتِ فِي الْأُمَّةِ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْكَ؛

ای عمو، از خدا بترس و فتوا مده، درحالی‌که در میان امت کسی دانشمندتر از تو وجود دارد!».

فرد دوم حرکت کرد و سؤال خود را مطرح کرد: «ای فرزند رسول خدا، چه می‌گویید درباره مردی که حیوانی را وطنی کرده است؟» حضرت فرمودند: «آن مرد تعزیر می‌گردد و پشت حیوان داغ می‌شود و از این شهر خارج می‌گردد تا ننگ

آن بر مرد باقی نماند». پرسش‌گر گفت: «عمویت این‌گونه و آن‌گونه جواب داد». حضرت فرمودند: «خدایی جز خدای یکتا نیست! ای عمو این نزد خدا بسیار بزرگ است که در برابر او قرارگیری و خداوند به تو بگوید: چرا پاسخ بندگانم را به چیز دادی که نمی‌دانستی، درحالی‌که در امت اعلم از تو بوده است». ۴۲ این خبر به گونه دیگر نیز نقل شده است. ۴۳

بنابراین امام جواد (ع) برای شیعیان با برکت بودند. ممکن است گفته شود که ایشان مانند دیگر امامان بودند که به پرسش‌های شیعیان پاسخ می‌دادند. ولی باید توجه داشت که یک تفاوت اساسی بین امام جواد (ع) و دیگر امامان وجود دارد؛ یعنی تفاوت سنی که آن حضرت کم‌سن‌ترین امام تا آن زمان بوده‌اند. حضرت با این سن کم، توانستند بسیاری از تردیدها را از شیعیان بر طرف سازند و آنان را در مسیر حق قرار دهند.

از گزارش‌های تاریخی استفاده می‌شود که جمعی از واقفیان هنوز بر ادعای خود اصرار می‌ورزیدند و در امامت موسی بن جعفر (ع) توقف کردند. به همین جهت مورد لعن و نفرین و تحقیر امام جواد (ع) و دیگر امامان قرار گرفتند. روایاتی از حضرت جواد (ع) در رجال کشی نقل شده است که واقفه، هم‌ردیف با

ص: ۳۵

ناصریان معرفی شده‌اند. ۴۴ از امام هادی (ع) نیز مانند آن نقل شده است. ۴۵ امام جواد (ع) واقفه را حمیر شیعه دانسته‌اند؛ ۴۶ یعنی انسان‌های نفهم و نادان. ممکن است این تعبیر، از آن جهت بوده که برخی از آنان حقایق را مانند بلعم باعورا می‌دانستند؛ ولی آن را انکار نمودند.

۳. تولد امام جواد (ع) مانع ادامه انحراف خاندان موسی بن جعفر (ع)

۴۲. طبری، دلائل الإمامه، ص ۳۸۹؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۲۱؛ ابن عبد الوهاب، عیون المعجزات، ص ۱۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۰۰

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، يَا عَبْدَ اللَّهِ، إِنَّهُ عَظِيمٌ عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقِفَ غَدًا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَيَقُولَ لَكَ: لِمَ أَتَيْتَ عِبَادِي بِمَا لَا تَعْلَمُ وَ فِي الْأُمَّةِ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْكَ؟.

۴۳. مفید (منسوب)، الاختصاص، ص ۱۰۲.

۴۴. رجال کشی (إختیار معرفة الرجال)، ص ۲۲۹.

۴۵. همان، ص ۲۲۹.

«الصادق علی بن محمد بن الرضا (ع) أَنَّ الزَّيْدِيَّةَ وَالْوَاقِفَةَ وَالتُّصَابَ بِمَنْزِلَةِ عِنْدَهُ سَوَاءٌ».

۴۶. همان، ص ۴۶۰.

با نگاهی به کتاب‌های روایی، استفاده می‌شود فرزندان و خویشان موسی بن جعفر (ع) نیز در امامت حضرت رضا (ع) تردید داشتند و این تردید را در سطحی بالاتر از واقعه مطرح می‌کردند. خویشاوندان حضرت، بعد از تولد امام جواد (ع) در انتساب این طفل به امام رضا (ع) تشکیک کردند. نتیجه این تشکیک انکار امامت حضرت رضا (ع) بود. آنان پس از تولد امام جواد (ع) و رفع شبهه برای مردم، شبهه دیگری را مطرح کردند. آنان مدعی شدند: «امام جواد (ع) فرزند امام رضا (ع) نیست؛ زیرا رنگ چهره‌اش با رنگ چهره افراد در خاندان ما و امامان گذشته متفاوت است». اینان بر ادعای خود اصرار داشتند. چون با نفی فرزند از امام رضا (ع) - به ویژه که مادر امام جواد (ع) کنیز بوده ۴۷ و اتهام به کنیز، کاری نسبتاً آسان بوده است - در صدد نفی امامت حضرت برآمده بودند. آنان راه‌حل را در این دیدند که قیافه‌شناسی را برای تأیید یا رد این ادعا دعوت کنند، حتی در این موضوع فردی مانند علی بن جعفر عموی حضرت هم نقش داشته و دچار تردید شده است و از این ستم خود و دیگر اقوام اظهار ناراحتی می‌کند. وقتی قیافه‌شناس امام را با جمعی در مزرعه می‌بیند و فرزند را نزد او می‌آورند، او را به امام رضا (ع) نسبت می‌دهد و می‌گوید که این بچه از آن این مرد است و شبهه اقوام حضرت در انتساب امام جواد (ع) به ایشان، برطرف می‌شود. ۴۸

ص: ۳۶

در نتیجه این مولود، برکت زیادی در جلوگیری از انحراف خاندان موسی بن جعفر (ع) در مسیر تداوم امامت داشته است.

۴. برکات علمی امام جواد (ع) برای مسلمانان

برکت امام جواد (ع) منحصر در شیعیان نبود، بلکه ایشان برای دیگر مسلمانان نیز بابرکت بودند؛ زیرا با وجود کمی سن، نقش زیادی در بیان مسائل دینی داشتند. آن حضرت در جلسه‌های بحث و مناظره، به‌خوبی از عهده پرسش‌های مطرح شده برآمدند و مدعیان را مبهوت و شیفته خود کردند و امامت را تداوم بخشیدند و نکات جدیدی در تبیین مسائل دینی به جامعه اسلامی تقدیم کردند.

امام جواد (ع) در مجالس بحث و مناظره با علمای بنام زمان خود، شرکت می‌کردند. ایشان توانستند با نشان دادن توانایی علمی خویش، نظر علمای برجسته جهان اسلام را به خود جلب کنند و حکم برخی موضوعاتی را که کم‌تر

۴۷. کافی، ج ۱، ص ۴۹۲.

۴۸. همان، ص ۳۲۲؛ علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۲۱.

موردتوجه بود، بیان نمایند. ۴۹ مانند تعیین محدوده جای قطع دست دزد، در زمان معتصم که درباره آن، اختلاف رخ داد که دست دزد از میچ یا چهار انگشت باید قطع شود. حضرت جواد (ع) با استناد به آیات قرآن بر لزوم قطع چهار انگشت دست، استدلال کردند. ۵۰ نمونه دیگر سؤالات ابن اکتثم از امام جواد (ع) است که به چند مورد آن در کافی اشاره شده است. وی از حضرت می پرسد: «سخن حضرت امیرالمؤمنین (ع) که فرمودند خنثی ارثش بر اساس خروج بول اوست یعنی چه؟» حضرت پاسخ دادند: «آیینهای قرار می دهند و چند نفر عادل می نگرند که بول وی از آلت مردانه اوست یا زنانه او». ۵۱ یحیی بن اکتثم در موردی دیگر از پرسش های متعدد خود از امام جواد (ع) در جوار قبر پیامبر (ص) گزارش می دهد که در پایان از امام وقت می پرسد و حضرت خود را امام و حجت معرفی می فرماید. ۵۲

ص: ۳۷

نتیجه

از مطالبی که بیان شد نکاتی به دست می آید:

۱. اهمیت تولد امام جواد (ع) و بابرکت بودن آن، به این علت بود که باعث رفع نگرانی شیعه و تداوم امامت شد و اندیشه های انحرافی را در روند امامت، از بین برد و ادعاهای باطل را در این باره زدود.
۲. در زمان امام رضا (ع) گروهی که به واقفه مشهور شدند، منکر شهادت موسی بن جعفر (ع) گردیدند و ادعاهایی در انکار امامت حضرت رضا (ع) مطرح کردند که یکی از آنها نداشتن فرزند بود. دلیل اصلی که باعث این عقیده شد، تصاحب مال های امام هفتم بود، زیرا آنان نمایندگان موسی بن جعفر (ع) بودند و لازم بود اموالی که شیعیان به آنان داده بودند، به امام بعدی بدهند؛ ولی با انکار امامت حضرت رضا (ع)، آن اموال را تصاحب نمودند و خود مصرف کردند.
۳. امام رضا (ع) در دیدار با واقفه در برابر ادعای نداشتن فرزند می فرمود: خداوند به زودی به من فرزند می دهد؛ ولی پس از تولد امام جواد (ع)، باز جمعی از آنان بر ادعای باطل خود اصرار داشتند. تولد امام جواد (ع) باعث شد که عموم

۴۹. قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ مفید (منسوب) الإختصاص، ص ۹۸.

۵۰. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۱۹.

۵۱. کافی، ج ۷، ص ۱۵۸-۱۵۹.

۵۲. همان، ج ۱، ص ۳۵۳.

شیعیان متوجه شوند که ادعای واقفه نادرست است و حضرت رضا (ع) جانشین امام کاظم (ع) هستند و خود حضرت نیز جانشینی دارند و جلو انحراف در امامت گرفته شد. به همین جهت، امام جواد (ع) مولودی بابرکت معرفی شده است.

۴. تولد امام جواد (ع) برای مسلمانان هم بابرکت بود؛ زیرا آثار علمی به جای مانده از آن حضرت زیاد است. ایشان نکاتی را مطرح کردند که در گذشته سابقه نداشت و در رشد علمی جامعه اسلامی نقش داشتند.

ص: ۳۸

منابع

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۵۸۸ ق.)، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه.

ابن غضائری واسطی بغدادی، احمد بن حسین (۴۵۰ ق.)، الرجال، تحقیق محمدرضا حسینی، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۳۶۴ ش.

ابن عبدالوهاب، حسین، عیون المعجزات، چاپ اول، قم، مکتبه الداوری، بی تا.

بحرانی سیدهاشم بن سلیمان (م ۱۱۰۷ ق.)، مدینه معاجز الأئمة الإثنا عشر، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

برقی، احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ ق.)، رجال برقی، چاپ دانشگاه تهران.

خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۳ ق.)، معجم رجال الحدیث، ویرایش دوم، مطابع مرکز نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.

صدوق (م ۳۸۱ ق.)، عیون اخبار الرضا، تحقیق مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.

صفار، محمدحسن بن فروخ (م ۲۹۰ ق.)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تحقیق کوجه باقی، چاپ دوم، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (قرن ششم)، دلائل الإمامه، تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، بعثت، ۱۴۱۳ ق.

طوسی، شیخ محمد بن حسن (م ۴۶۰ ق)، تهذیب الاحکام، تحقیق سیدحسن موسوی خراسان، بیروت، دارالتعارف، نشر صدوق، ۱۴۰۱ ق.

، رجال طوسی، تحقیق محمدجواد قیومی، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

، الغیبة للحجه، چاپ اول، قم، دارالمعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ ق.

، مصباح المتہجد و سلاح المتعبّد، چاپ اول، بیروت، مؤسسه فقه الشیعہ، ۱۴۱۱ ق.

ص: ۳۹

عریضی، علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، چاپ اول، قم، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.

عیاشی، ابونضر محمد بن مسعود، (م ۳۲۰ ق)، تفسیر عیاشی، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیہ.

قمی، ابوالحسن علی بن ابراہیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب.

کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز (م ۳۳۰ ق)، اختیار معرفۃ الرجال، (رجال کشی)، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد، انتشارات دانشگاه.

کلینی، محمد بن یعقوب رازی (م ۳۲۹ ق)، کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیہ، و قم، تحقیق و چاپ دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق. ترجمه سیدجواد مصطفوی، چاپ اول، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیہ، ۱۳۶۹ ش.

مجلسی، علامہ محمدباقر (م ۱۱۱۰ ق)، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.

مسعودی، علی بن الحسین (م ۳۴۶ ق)، اثبات الوصیہ، چاپ سوم، قم، انصاریان، ۱۴۲۶ / ۱۳۸۴ ش.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی، (م ۴۱۳ ق)، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

، الارشاد فی معرفۃ حجج اللہ علی العباد، قم، تحقیق و چاپ مؤسسه آل البيت.

، الفصول المختاره من العيون و المحاسن، گزیده سیدمرتضی، تحقیق سیدعلی میرشریفی، کنگره هزاره شیخ مفید، چاپ دوم، بیروت، انتشارات دارالمفید، ۱۴۱۴ ق ۱۹۹۳ م.

نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (م ۴۵۰ ق)، رجال نجاشی، تحقیق سید موسی زنجانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه. ۵۳

ص: ۴۰